



آیا دموکراتیک شدن راحت است؟

دموکراسی قرص مُسکن نیست، بلکه باور است: باوری که در اعماق وجودی انسان‌ها ریشه دوانده است.

آیا دموکراتیک شدن راحت است؟

دکتر محمود سریع القلم

وقتی مشکلات روی هم انباشته می‌شوند، بعضی به واژه و مفهوم دموکراسی متوسل می‌شوند و تحقق آن را به عنوان راه shy­ حل مطرح می‌کنند. البته اگر نروژ، سوئد، دانمارک و آلمان نمونه shy­ های دموکراتیک تلقی شوند، این قضاوت منطقی است. اما آیا افراد می‌shy­ دانند دموکراتیک شدن چه فرایندها، اصول و تمرین shy­ های سختی در بر دارد؟ این افراد چقدر متون و ادبیات دموکراسی را خوانده shy­ اند و بر آنها مسلط هستند؟ تا چه میزان با تاریخ این کشورها با دقت و جزئیات آشنایی دارند؟

اگر خروج از قرون وسطی و تحولات جدی دوره رنسانس را حدود ۱۵۰۰ میلادی در نظر بگیریم، چه میزان متون و ادبیات در این ۵۲۰ سال برای تحقق، تکامل و اصلاح دموکراسی تولید شده است؟ هزاران فیلسوف، اقتصاددان، جامعه شناس، عالم علم سیاست، روان شناس و دانشمند علوم در کنار هم و با اصلاح اندیشه shy­ های یکدیگر، متون نوشته shy­ اند و اثر گذاشته shy­ اند تا آنکه امروز، وزیر دانمارکی به عنوان یک قرارداد اجتماعی و بدون آنکه هزینه shy­ ای بر بودجه عمومی کشور تحمیل کند، با دوچرخه به محل کار خود می‌shy­ رود. متون امروزی هابرماس آلمانی، صورت آخر چندین قرن نوشته و فکر از ژان بُدن (۱۵۹۶-۱۵۳۰) تا ماکس وبر (۱۹۲۰-۱۸۶۴) است.

در نهایت، دموکراسی نتیجه همکاری کسانی است که فکر می‌shy­ کنند، حال این فکر کردن برای فلسفه باشد یا کارآفرینی؛ برای قانون پذیری باشد یا تولید ثروت؛ برای افزایش امنیت ملی باشد یا حفاظت از محیط زیست؛ برای ارتقای کارآمدی در آموزش دبستانی باشد یا ارتقای ایمنی خودرو؛ برای اصلاح نظام بانکداری باشد یا تشویق شهروندان برای عبور از خطوط عابر پیاده. این حس اجتماعی و جزئی از جمع بودن و کار مثبت برای جمع کردن، مبنای روانی و فلسفی دموکراسی است. جمعی تصمیم گرفتن، با اکثریت تصمیم گرفتن، به فکر منافع و مصلحت عامه بودن و جلوگیری حقوقی از انحصار و عدم شفافیت، نتیجه shy­ ی چند قرن کار فکری است. هرچند کتابخانه shy­ ها و دانشگاه shy­ هایی که قرن shy­ هاست به وجود آمده shy­ اند بنیان این زحمات فکری است ولی شخص علاقمند نیز می‌shy­ تواند ماه shy­ ها در موزه shy­ های لندن، برلین، پاریس، فلورانس، وین، مادرید، ونیز، استکهلم و رم، وقت کیفی بگذارد تا تاریخ اندیشه و سیر انباشتی و تکاملی هزاران نفر را مشاهده کند. بنظر می‌shy­ رسد حدود ۵۰۰۰ کتاب در پنج قرن اخیر به صورت تکمیل کننده یکدیگر در فلسفه، اقتصاد، سیاست، علم و جامعه شناسی نوشته شده است تا اینکه خانم مرکل صدر اعظم آلمان قبول کند هر تصمیم او باید با افکار عمومی در آلمان هماهنگ باشد و او خودش باید، خرید منزلش را انجام دهد.

دموکراسی قرص مُسکن نیست، بلکه باور است: باوری که در اعماق وجودی انسان shy­ ها ریشه دوانده است. دموکراسی صرفاً میزگرد، سخنرانی و راه shy­ پیمایی نیست بلکه باورهای ناخودآگاه نخبگان سیاسی و فکری یک جامعه است که طی سال shy­ ها و در یک نظام آموزشی مشترک، آنها را درونی (Internalize) کرده shy­ اند. اگر مجموعه shy­ ی حاکمیت یک کشور، متون مشترکی نخوانده باشند، به باورهای مشترک نیز دست نخواهند یافت. دلیل اصلی اینکه اروپا و آمریکا به راحتی به توافق دست می‌shy­ یابند، متون مشترک فلسفی و اقتصادی است که خوانده shy­ اند. طبیعی است وقتی نخبگان یک کشور از رشته shy­ های مختلف با ادبیات متنوع دور هم جمع شوند نمی‌shy­ توانند به اشتراک نظر برسند و هر فرد، کار خود را انجام می‌shy­ دهد و برآیند این کارها، حداقل ناهماهنگی و حداکثر هرج و مرج خواهد بود. در شرایطی دو یا چند نفر می‌shy­ توانند هماهنگ باشند، قابل پیش shy­ بینی باشند و باهم کارها را پیش ببرند که از یک فرهنگ استنباطی مشترک برخوردار باشند. آیا فردی می‌shy­ تواند ادعا کند که دموکراسی را می‌shy­ شناسد ولی کتاب قرارداد اجتماعی ژان ژاک روسو را (نه خودش) بلکه سر کلاس و با استاد نخوانده است؟ ادبیات مربوط به دموکراسی را باید ده shy­ ها بار خواند و بحث کرد تا بتدریج متوجه شد. ناهماهنگی و ناکارآمدی ریشه در ازهم shy­ گسیختگی فکری دارد. وقتی ده shy­ ها مدیر و تصمیم shy­ گیرنده با ده shy­ ها سابقه فکری و مطالعاتی و گرفتن مدرک در حین کار دور هم جمع شوند، هریک نوعی استنباط شخصی از مفاهیم حکمرانی و مدیریت خواهند داشت و نتیجه کار آنها نمی‌shy­ تواند مبتنی بر دقت، کارآمدی و انباشت پیشرفت shy­ ها باشد. اگر مجموعه نخبگان سیاسی یک کشور ادبیات و متون مشترک فلسفی و اقتصادی و سیاسی نخوانده باشند، نمی‌shy­ توان در انتظار برآیند کارآمد عملکرد آنها نشست.

دموکراسی را دست shy­ کم گرفته shy­ ایم؛ کما اینکه در دوره قاجار نیز، نویسندگانی تصور می‌shy­ کردند با چند کتاب و گرهمایی می‌shy­ توانند حکومت قانون بنا کنند. کلید دموکراسی در نوع ارتباطی است که میان افراد فکری، نوآور، باهوش و توانا وجود دارد. کافی است خاطرات علینقی عالیخانی، وزیر اقتصاد ایران در دهه ۱۳۴۰ را بخوانید تا ببینید سیستم و جامعه با افراد توانا چه نوع رفتار بدی می‌shy­ کند.

دستیابی به توافق و تفاهم، هماهنگی، اجماع، قاعده shy­ مندی، سیستم داشتن و قابل پیش shy­ بینی بودن بسیار کار دشواری است. خاورمیانه راه طولانی دارد تا از دایره اطاعت به فضاهای مشترک فکری، استنباطی و کارکردی برسد. یک دلیل اینکه وزیر خارجه #کانادا فرصت می‌shy­ کند با تک تک بازماندگان سانه هوایی ملاقات حضوری کند به این خاطر است که سیاست خارجی کانادا یک سیستم است و مرتب کار می‌shy­ کند و وزیر خارجه فرصت دارد تا این کار را انجام دهد. اگر سیاست خارجی کانادا به دلیل ناهماهنگی shy­ ها، سوءاستنباط shy­ ها، خودخواهی shy­ ها و انحصارها، هر نیم shy­ روز یک بحران داشت، چنین اهمتامی صورت نمی‌shy­ پذیرفت. توافق فکری جمعی

است که باعث می‌شود مسئولین اجرایی در اروپا ساعت پنج عصر به بعد به زندگی خصوصی خود بپردازند تا آنکه تا ساعت دوازده شب در جلسات باشند.

اگر جایی به دنبال دموکراسی می‌گردیم، مکان آن در مدارهای نخبگان فکری و سیاسی یک کشور است که چه نوع تعاملی با یکدیگر دارند و اصولاً با فکر و اندیشه چگونه برخورد می‌کنند: تبعی یا تکاملی؟ چینی‌ها به تدریج از حالت تبعی به تکاملی حرکت کرده‌اند، هرچند راه طولانی در پیش دارند. اگر دایره نخبگان سیاسی یک کشور چنین انتقالی را در جهان امروز و با پیچیدگی‌های شایسته‌اش؛ های تصمیم‌گیری امروز، تجربه نکنند، مرتب اشتباه خواهند کرد و اشتباهات بر روی هم انباشته خواهند شد. لیبی، عراق، ونزوئلا و کره شمالی نمونه‌هایی از این وضعیت هستند. با انباشته شدن اشتباهات و خطاهای محاسباتی به دلیل فقدان ساختار الیت (Elite) در یک کشور، یا خارجی در نهایت مسلط می‌شود و یا به زنگ زدگی (Corrosion) نظام مدیریتی می‌انجامد. در دموکراسی‌ها هم، اشتباه می‌شود، ولی اشتباه جمع است که بسیار راحت‌تر اصلاح می‌شود و تکرار نمی‌شود. اگر پهلوی دوم در رابطه با دموکراسی، متونی را خوانده بود و درونی کرده بود، به شهروندان کشور خود نمی‌گفت که اگر فردی راه او را نمی‌پسندد می‌تواند گذرنامه خود را مجانی گرفته و از کشور مهاجرت کند.

بیش از 500 سال هزاران نفر زحمت کشیده‌اند تا مانع از این ویژگی‌ها شوند: خود بزرگ‌پنداری، خود درست‌پنداری، خود برتر‌پنداری. همچنین ساختاری ساخته‌اند تا این ویژگی‌ها عمومی شوند: مشورت‌کردن، یادگیری، هماهنگی، باهم تصمیم‌گرفتن، سیستم‌ساختن، قابل‌اتکا بودن، به افراد توانا میدان‌دادن، احترام به تفاوت‌های فکری، به رسمیت شناختن تفاوت‌های فکری.

فهم دموکراسی و عمل دموکراتیک بسیار کار مشکلی است. از کسانی که حداقل ۵۰۰ کتاب از نویسندگان پنج قرن اخیر نخوانده‌اند، به زبان‌های خارجی مسلط نیستند، دانشگاه نرفته‌اند و استاد ندیده‌اند و تمرین تفاهم و تعامل نکرده‌اند، طبعاً نباید انتظار دموکراتیک بودن را داشت. این مفاهیم، معانی عمیق تاریخی دارند. وضع ما طبیعی است. تا زمانی که متون نخوانیم، به توافق و اجماع نرسیم، با هم تصمیم‌گیریم، برای افراد توانا جا باز نکنیم و به اندیشه‌های گوناگون احترام نگذاریم، همچنان در سعی و خطاها، بقا خواهیم داشت. سرنوشت ملت‌ها در گروی افکار اکثریت آنها است. دموکراسی سال‌ها تمرین می‌خواهد.